

پنجشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۸  
 ۸ ربيع الثاني ۱۴۴۱  
 ۵ خرداد ۱۳۹۸  
 سال سی و دوم شماره ۱۲۶  
 ZENDEGIGI@QDSOFTONLINE.IR

### روزمره نگاری

#### پُر از کلاغ و خورشید و درخت



**رقیه توسلی:** سر از مانیاتور که بلند می‌کنم نگاهم به چشم‌های قشنگش گره می‌خورد. با ارفاق، ریزه میزه‌ترین چهار ساله‌های است به‌نظر می‌رسد که به معرم دیده‌ام؛ با کاپشن آبی و کوله گلدار.

اسمش را می‌پرسم، بیسکویت تعارفش می‌کنم، می‌خواهم شعر بخواند؛ اما میهمان کوچولو فقط بی حرکت و صامت ایستاده به تماشا و زُل زده به صورتم.

معذب می‌شوم کمی. نمی‌دانم از چه قرار است اوضاع؟ توی همین گریوردا، موبایلم زنگ می‌خورد. مدیر دارالترجمه پشت خط است. با تعجب جواب می‌دهم. دقیقه‌ای بعد، دیگر آن کارمند خوش روحیه قبل نیستم.

منقلبم. آدم تازماری که دارد به دخترک می‌گوید: دلت نقاشی می‌خواهد؟ او با صورتی شکفته برایش سر تکان می‌دهد. اسمش «نیکی» ست. از بستگان خانم مدیر که حدود سه هفته گذشته متأسفانه پدر و مادرش را در تصادف از دست

داده. پشت تلفن خیرم کردند کوله‌اش پُر از لوازم نقاشی است و ارضا انگار من به مادرش بسیار شباهت دارم. یکباره از دنیای غریب کلمات لاتین پرت می‌شوم به جهان ناشناختی مادری معصومه می‌نشینند روی زمین تا کیفش را باز کند. با حالی که خوش است و ناخوش، می‌نشینم بغل دستش. دارد تمام دارایی‌اش را نشانم می‌دهد و دفتر نقاشی که پُر از کلاغ و خورشید و درخت است. آن وقت با

مداد زلفهدارش شروع می‌کند به کشیدن. پیامک می‌رسد که: «نیکی» همه این ۲۱ روز را در گریور شوک عصبی شدید بوده و یک کلمه حرف زده است. گویا نوبت روان‌شناس دارد امروز و خواست‌اند برایش مادری کنم.

یکد: بابت دیدنش خدا را شکر می‌کنم. معتقدم طبق قانون جذب هر چیزی که وارد زندگی مان می‌شود، تصادفی و اتفاقی نبوده است.

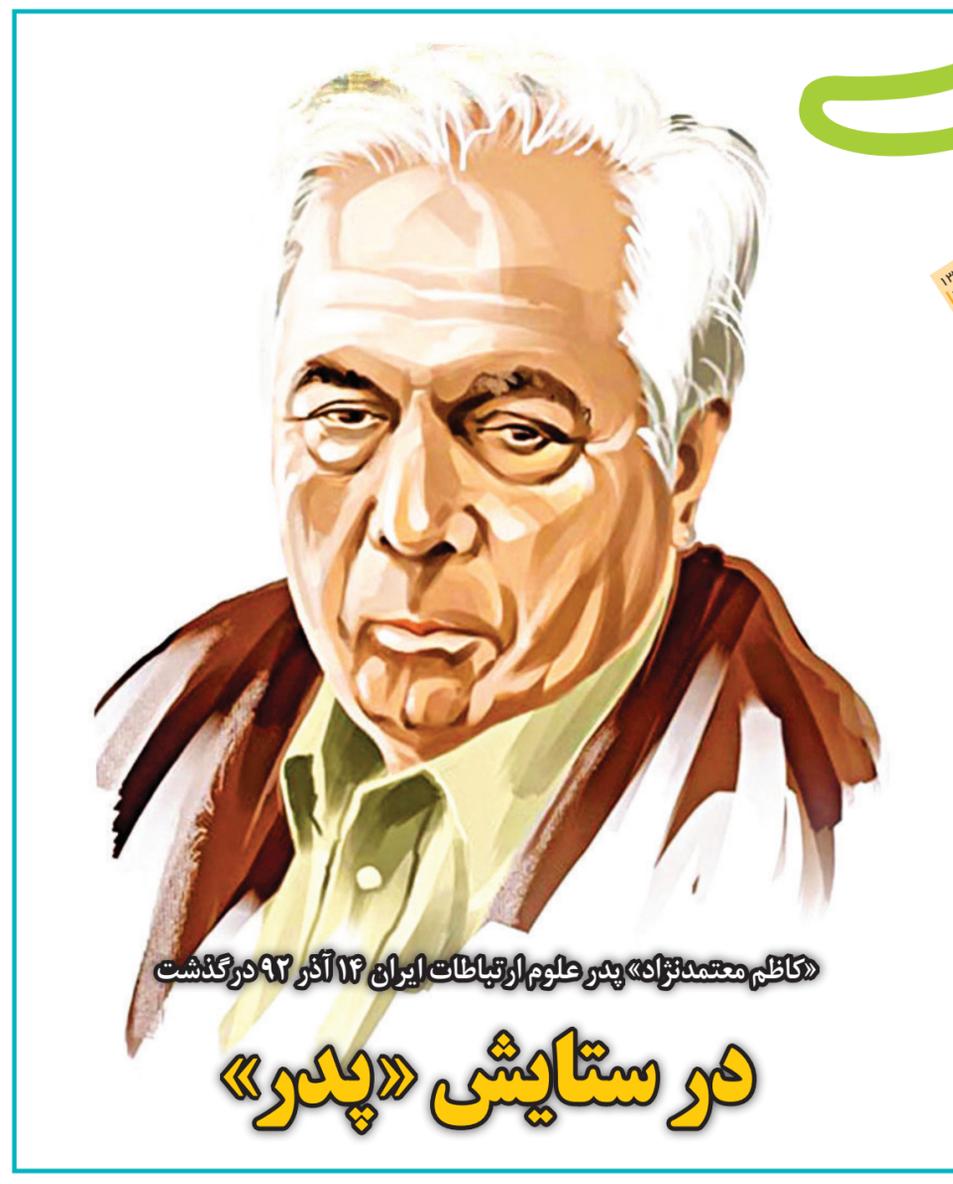
**دو:** خانه زردرنگی که کشیده‌ام برای امی یوسم و می‌گذارم روی کیبورد و شعر «هورچه پانکسته» را زمزمه می‌کنم برایش؛ که دستم می‌آید شکل برگ‌های چنار، گره از ابرویش باز می‌شود.

**سه:** بی‌هوا یاد نصیحت «خانجان» می‌افتم؛ توی زندگی ات دو نفر را هرگز غمگین نکن که عرش به لرزه می‌افتد؛ پدر، مادر و پیتیم را.

**چهار:** صبح که داشتم می‌آمدم اداره، مادر نبودم. حاکم یک دختر چهارساله دارم. ابهامم اینجاست که راستی مادرها وقتی غم‌شان می‌گیرد کجا می‌روند یک دل سیراشک می‌ریزند؟

# ۱۶۰ خاطره دست اول از ۱۴۰ اهل قلم

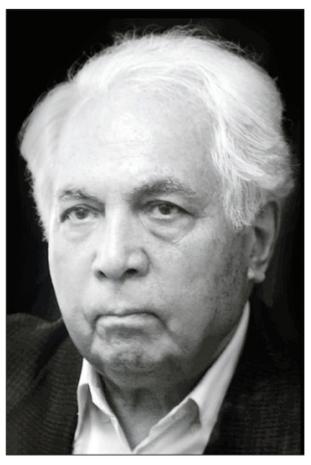
گفت‌وگو با آذر خزاعی سرچشمه، به بهانه رونمایی کتاب «تا پلاک ۱۴۰»



«کاکم معتمدنژاد» پدر علوم ارتباطات ایران ۱۶ آثر ۹۲ درگذشت

## در ستایش «پدر»

عشق و امیدش. ننان قلم به مزد بودن یا مدرک‌های جور واجور تحصیلی را نمی‌خورد. بیشتر از چشمه جوشان همش می‌نوشید که انگار تمام ناشدنی بود. گواه همه این‌ها پست و منصب‌های دولتی و سفارشی است که در هیچ دوره‌ای نداشت و به جای آن در پیشینه و افتخاراتش تا دلتان بخواد عناوین ارزشمند علمی و پژوهشی ملی و بین‌المللی، ۲۷ عنوان کتاب و مقاله‌های فراوان دیده می‌شود.



بعدی نیز توانست دیپلم عالی تدریس روزنامه‌نگاری را از مرکز بین‌المللی آموزش عالی روزنامه‌نگاری در استراسبورگ بگیرد.

### حقوقدان و روزنامه‌نگار

نه اینکه فکر کنید رشته حقوق را کنار گذاشت. او علاوه بر اینکه وکیل پایه یک دادگستری بود در دانشگاه نیز حقوق تدریس می‌کرد، اما جاذبه‌های عالم ارتباطات و روزنامه‌نگاری رهاش نکرده بود. این جاذبه‌ها آن قدر بود که توانست تدریس و تحقیق در این رشته را به مشغولیت نخست و اصلی «معتمدنژاد» تبدیل کند.

### کیهان

شانس، اتفاق، قسمت... اسمش را هرچه می‌خواهید بگذارید. شاید یکی از همین‌ها سبب شد پای «کاکم معتمدنژاد» به عالم ارتباطات و دنیای روزنامه‌نگاری باز شود؛ وگرنه رشته حقوق قضایی کجا و روزنامه‌نگاری کجا؟ وقتی دوره کارشناسی را در دانشگاه تهران می‌خواند با یکی از استادان مصطفی مصباحزاده، مؤسس و مدیر وقت کیهان-رفاقتی استاد-دانشجویی به هم زده بود و میانه دوره دکترا بود که استاد از دانشجویان دکترا دعوت کرد روزنامه‌نگاری را هم تجربه کنند. «معتمدنژاد» به عنوان مترجم زبان فرانسه وارد «کیهان» شد و خیلی زمان نگذشت که مسئولیت گروه خارجی و مقالات روزنامه به او سپرده شد. کیهان آن سال‌ها به روزنامه‌نگاران درس‌خوانده نیاز داشت و برای همین مسئولیتش هر طور بود توانستند بورسیه تحصیلی در فرانسه را بگیرند. «معتمدنژاد» از این فرصت یا شانس هم به‌خوبی استفاده کرد و دکتری حقوق و علوم سیاسی‌اش را از «سوربن» و دکتری تخصصی روزنامه‌نگاری را از مؤسسه مطبوعات و علوم خبری دانشگاه پاریس گرفت. در سفرهای

### چشمه جوشان همت

پای عشق و علاقه به تحقیق، تدریس و توسعه اصول روزنامه‌نگاری در میان بود. «معتمدنژاد» از آن‌هایی نبود که بخواهد با مدرک، تحصیلات و اسم و رسمی که پیدا کرده بود، دکان دو نبش در عالم سیاست باز کند و دنبال پست و مقام باشد و بود و نبودش را گره بزند به باندبازی‌های رایج میان همکاران و هم‌رده‌هایش. دانشگاه و دانشجویان شده بودند همه زندگی و



## ورزش

استقلال - شهر خودرو در حساس‌ترین بازی هفته

### تسویه حساب در بزنگاه لیگ

تراپزون به دنبال چشمی

### «کلینزمن» «مجید حسینی» را می‌خواهد



پدیده پینگ پنگ ایران:

### می‌خواهم بین ۱۰ نفر نخست جهان باشم

## مجاز آباد

### گذش در اومدا

البته «کشته‌سازی» از ترفندهای قدیمی جریان‌هایی است که می‌خواهند از هر جور اعتراض و اغتشاش در ایران، ماهی خودشان را بگیرند. این ترفند برای دست‌های پشت پرده آشوب‌ها و فتنه‌های دیروز، امروز و فردا انگار کهنه‌شدنی نیست. آخرین نمونه‌اش «یکتاسفندانی» دختر ۱۴ ساله‌ای که می‌گفتند به دست نیروهای انتظامی کشته شده و دیروز خانواده و پزشکان اعلام کردند به دلیل مسمومیت از دنیا رفته است. برخی کاربران فضای مجازی در این باره نوشته‌اند، کم‌کم گند پروژه کشته‌سازی داره در می‌آید. این بنده خدا فوت کرد و روسیاهیش موند برای منافقین...

### مسجدها پیشقدم شوند

پس از ماجرای بنزین و اغتشاش‌ها و... و اینکه اعتراض حق مردم است، این بحث مهم در میان خیلی‌ها داغ شد که کجا و چطور می‌شود اعتراض سازمانده و درست سازماندهی اعتراضات یعنی درافت، یک رسیدگی نظاممند به اعتراضات، مساجد، محور این فرآیند شوند. و رسانه‌های ارائه داندن یکی این بود که مکان‌هایی را برای اعتراض مردم مشخص کنیم. سید یاسر جبرائیلی در همین باره توییت کرده در نظام اسلامی، اعتراض هدف نیست که برایش هاید پارک تعیین شود و مردم هرچه می‌خواهند از آن داد بزنند و آرام شوند. اعتراض ابزار است تا ظلم را آشکار کند، حق، احیا و باطل، سرکوب شود. سازماندهی اعتراضات یعنی در یافت، پیگیری و رسیدگی نظاممند به اعتراضات... مساجد پیشقدم شوند.

### وزیر صهیونیستی و کتاب امام

بعضی از کاربران فضای مجازی ممکن است مثل من و شما از خبرها و عکس‌های خبری، سرسری و کم توجه نگذردند. این‌ها معمولاً موفق می‌شوند حتی از خبرهای خیلی دیده نشده هم نکته‌های جالب توییتی را شکار کنند. نمونه‌اش یکی از کاربران توییتر که با انتشار عکس یک وزیر رژیم صهیونیستی، نوشته است: «باراک رافید روزنامه‌نگار اسرائیلی: کتابی که نفتالی نیت در دست داشت، جلد اول کتاب «سلام و انقلاب» اثر (امام) خمینی بود. وی این کتاب را هنگام پیاده شدن از هواپیمای در پایگاه نظامی به همراه داشت و به نظر می‌رسید در طول پرواز مشغول مطالعه آن بوده است.»

### جبران می‌کنم

توییت مازیار ناظمی، که پیش از مراسم بهترین‌های فوتبال آسیا اعلام کرد بیرانوند توب طلا را برنده نشده است، واکنش‌های منفی را در فضای مجازی به همراه داشت. هم بیرانوند و هم وکیلش بهشت از توییت مدیر روابط عمومی وزارت ورزش انتقاد کردند. «ناظمی» هم دیروز در واکنش به این ناراضی‌ها توییت نوشت: «از علیرضا بیرانوند برای اینکه نتوانستم منظورم را در جهت حمایت از او به عنوان نماینده ایران بیان کنم و موجب ناراحتی‌اش شدم صمیمانه عذرخواهی می‌کنم و قطعاً جبران خواهم کرد.» البته آقای مدیر روابط عمومی نگفته که منظورش از جبران کردن چیست!

## هفتوا

### همین یک هفته‌ای که اینترنت نبود

**جمعه:** مثل اینکه قرار است جمعه‌های من فقط فوتبالی باشند. رفته بودم برای تماشای بازی بچه‌های محله در مسابقات لیگ فوتسال مشهد. از بردهای پرگل قبلی‌شان مغرور بودند و با بازیکنان ذخیره وارد میدان شدند. همان اول بازی بدجوری گل خوردند! بازیکنان اصلی سریع جایگزین شدند و در نهایت آن هم در دقیقه آخر، با اختلاف یک گل پیروز شدند. نکته مری به بازیکنانش در رختکن و روزگارش قابل توجه بود. «گاهی موفقیت زیاد هم منته شکست آدم رو زمین می‌زنه! مراقب غرور باشین که خانمانسوز!»

**شنبه:** خبر رسید خاتم فاطمه دهقانی، بانوی دریادل کتاب «دریادل» به همسر شهیدش پیوست. همه آنچه در کتاب «دریادل» در بابی از درد دل‌های این بانوی فداکار، با اختلاف یک گل پیروز شدند. انگار این قهرمان، پس از چاپ خاطرات همسر بزرگوارش در این دنیا کاری برای انجام دادن نداشت... حرف‌های ناگفته‌اش را گفت و به دیار ابدی شتافت.

**یکشنبه:** به دعوت یکی از دوستان، به پاساژها در محله زعفرانیه رفتم. از ورودی پاساژ بگریزد تا بسردر مغازه‌ها، پر بود از بزهای مربوط به هنسدار ججاب. از مشتری‌های خاص پاساژ اگر بگذریم اما از هسدار ججاب روی در مغازه «جنیفر» که فروشنده لیلیس‌های آنجلی است، نمایشگر بزرگی که یک خاتم بازیگر معروف در آن دارد با عشو و ناز کالایی را تبلیغ می‌کند، «بوکلند»ی که تانه یک زن خواننده غریب را بخش می‌کند و رستورانی که تلویزیون تبلیغ آرایشگاه و باشگاه بدن‌سازی مخصوص حیوانات خانگی را بخش می‌کند نمی‌شود گذشت. از سرویس بهداشتی‌های سرپایی‌اش هم حرفی نمی‌زنم اما این را نمی‌شود نگفت که در چنین فضایی، نصب بوسترها و بنرهای متفاوت ججاب، مسخره کردن ججاب نیست؟ مگر بی‌جباب‌هایمان با بوستر و بنر بی‌جباب شدند که حالا باین چیزها باجباب شوند؟

**دوشنبه:** توی انیویس به محض اینکه صدای گوشی بلند شد، بغل دستی پرسید: اینترنت وصل شد؟! گفتیم: نمی‌دونم... این پیامک بود و مشغول مطالعه کتاب «اینترنت با مغز ما چه می‌کند؟» شد. آقای بغل دستی هم انگار سطر به سطر با من جلو می‌آمد. آخرش هم اجازه خواست از جلد کتاب عکس بگیرد. در حال عکس گرفتن حالمون همین یک هفته‌ای که نت نبود فهمیدیم اینترنت با مغز ما چه کرده! **سه‌شنبه:** کرایه تاکسی را که دادم، راننده یک ۴هزار تومانی را گذاشت توی جیبش؛ ۲ هزار تومانی دیگر را هم توی داشبورد و گفت: «... اینم برا عیال... البته خانما این قدر خوبن که آخر بخر باز همین چند تومن رو هم خرج ما می‌کنن و کمک حالمون می‌شن... مرد پشت سری گفت: حاجی... لونا خانم‌ای قدیمی بودن!

راننده هم گفت: «در حرف ناراحت نشی... ولی این جوری حساب کنی... جوانی امروزی نسبت به قدیم نه مرداشون مردن نه زناشون زن... نه زه‌نوع‌ای آدم‌ای خوشدو دارم.»

**چهارشنبه:** بسا دآش کوچیکه، هر شب برنامه سعدی‌خوانی داریم. امشب از من خواستند از اینترنت سه تا حکایت کوتاه و خوب برای مشق شبش پیدا کنم. می‌گویم: «ما که هر شب داریم یکی از حکایت‌های سعیدی رو می‌خونیم... از همونا بنویس دیگه... تازه شعراشونو هم حفظی!» در جوابم می‌گوید: «... حکایتی ما سخته بچه‌ها نمی‌فهمن... از علامه گوگل بپرس... هم من راحت‌ترم، هم بچه‌ها و هم معلم!»

**پنجشنبه:** شنیدم باز دیواره به جون هم افتادن!

+ جطور! + این یکی علیه عملکرد اون یکی بیست گذاشته... آقای فلان هم که آقای بهمان رو نقد کرده...

- آهان... خب یک بخشی از حرفش هم درسته دیگه... من به درست و غلط حرفش کار ندارم! میگم طرف داره کار می‌کنه... ما به جای اینکه از همدیگه حمایت کنیم، همدیگه رو هل بدیم به سمت درست، داریم سنگ جلو پای هم میندازیم!

- آگه قرافون نقد باشه نه نق، خوم هست... باعث رشد طرف مقابل میشه! آیا همین نقد کردن درست، حمایت یا به قول تو هل دادن فرد به سمت پیشرفت نیست؟

# ورزش‌های گوناگون

**پنجشنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۸**

۱۱ ربيع الثانی ۱۴۱۶ ه‍.س‍. ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۹ | سی‌ و دوم | شماره ۹۱۶۴

## خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

**کریمی هم مسافر کانادا شد**
**ورزش**؛ علی کریمی، ستارهٔ سابق فوتبال ایران و استظوره هاشمی‌پور، سرپرست که چندی پیش خبر مهاجرتش از ایران رسانه‌ها شده بود، دیروز این راه مقصد کانادا ترک کرد. کریمی البته چند روز قبل اعلام کرده بود قصد ترک ایران برای همیشه ندارد و این سفرش به کانادا موقتی خواهد بود. به زودی به ایران برمی‌گردد.

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

**ورزش**؛ محمدحسین برآمدن، مدافع تیم فوتبال شهر خودرو توکیو کرد دیروز استقلال را از بازیگر کهنه‌دورِبرای شکست دادن این تیم در میدان حاضر خواهند شد.وی در پاسی به این پرسش که آیا تسلیوی برابر استقلال که در لوج فرج قرار دارد برای آن‌ها ضایع است، تصریح کرد: ما هیچ تیم برای می‌شویم بازی نمی‌کنیم تیم‌های گل‌محده می‌باشیم برابر کاروان زمین می‌شوید.استقلال تیم قابل احترامی است.سولی ما مدخل کارهای بزرگ هستیم و در دیدار مقابل این تیم برای تسلیوی بازی طرفداریم که مدافع تیم فوتبال شهر خودرو همچنین اظهار کرده‌است استقلال آن قدر هم که می‌گفته‌فوق نیست این تیم نقطه ضعف هم دارد و ما حرم‌چران را به عنوان بازیگر کهنه‌دور می‌شاید تیم‌های دیگر نتوانستند نقاط ضعف استقلال استاده کنندولی ما می‌تویم این کار انجام دهیم.

خبرها

خبرها

**خلعتبریز: پرسپولیس تیم خطرناکی است**
**ورزش**؛ مهاجم تیم فوتبال ذوب‌آهن اصفهان گفت: پرسپولیس تیم خطرناکی است بازی استقامت بسیار بالایی در این تیم در پیش خواهیم داشت. محمد صالح خلعتبریز گفت:وگو با من نسبتاً خاطر نشان کرد. پرسپولیس تیم خطرناکی است. هر چند آن‌ها مثل فصل گذشته نتیجه نگرفتند ولی توان خود را نشان داده‌ها هستند و ما خواهد بازی در مقابل تیم شونند. بازی از زمانی در پیش نداریم و اهمیت این بازی را در خوبی می‌دانیم. وقتی در مسابقه خودمان بازی می‌کنیم از حمایت هواداران هم بهره می‌بریم و در این بازی خانگی گفتیم به دنبال گرفتن سه امتیاز هستیم. نتیجه قابل پیش‌بینی نیست و امیدوارم بازی‌های آخر این فصل را شکست دهیم.

خبرها

خبرها

**فولاد از پرسپولیس سبقت گرفت**
**ورزش**؛ در ادامه هفته سیزدهم لیگ برتر سپاهان میزبان فولاد خوزستان بود که این دیدار در نهایت با تساوی بدون گل به پایان رسید.فولاد این بازی یک امتیاز، ۱۰ امتیازی بود. فولاد از پرسپولیس به زده چهارم صعود کرد. دیدار پرسپولیس پارس جنوبی جم و ماشین‌سازری نیز با تساوی یک بر یک به پایان رسید.

خبرها

خبرها

خبرها

**پرونده پروتیچ و استقلال بسته شد**
**ورزش**؛ فیفا پس از کش قوس‌های فراوان سرانجام پرویز طالب ۴۳-هفته داری پروتیچ، بازیکن سابق استقلال را از محل زندان آزماهی آن بازگذاشت. پروتیچ از دو ساعت در آن اتفاق در حالی‌سرخ داد. وی رفته، پرداخت پول به پروتیچ از سوی فیفا به خاطر محدودیت‌های فوین‌بلیکنی حدود پنج ماه طول کشید.

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

**گروه‌بندی کوپا آمریکا ۲۰۲۰ اعلام شد**

**ورزش**؛ در دورهای جام ملت‌های آمریکای جنوبی به صورت مشترک توسط آرژانتین و کلمبیا میزبانی می‌شود.هرمین اساس مسئولان کنفدراسیون آمریکای جنوبی تصمیم گرفته‌اند که در مرحله گروهی از دورها از روزه‌ها بازی‌ها به شیوه‌ای متفاوت برگزار کنند. منظور جوب‌گیری از سفرهای طولانی تیم‌ها میان کشورهای میزبان ۱۲ تیم حاضر در این گروه است.فصل دوم مهمانان می‌شوند.در این گروه قرار گرفته‌اند: گروه A (صوب): آرژانتین، استرالیا، بولیوی، اروگوئه، شیلی و پاراگوئه گروه B (شمال): کلمبیا، برزیل، فنزویلا، اکوادور و پورو

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها



خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خبرها

خ

## گزارش اکران

### آخرین آمار فروش فیلم‌های سینمایی در نیمه آذر ماه

نام فیلم	تعداد اکران	فروش هنکی	فروش کل	رتبه در جدول
<b>مطرب</b>	۱۷۹	۴,۴۷۳,۱۶۵,۰۰۰	۱۷,۳۰۸,۰۱۲,۰۰۰	۴
<b>چشم و گوش بسته</b>	۱۶۵	۱,۳۰۸,۹۳۸,۰۰۰	۴,۵۵۸,۴۱۵,۰۰۰	۴
<b>منطقه پرواز ممنوع</b>	۱۶۳	۷۲۴,۲۵۲,۰۰۰	۱,۵۷۴,۳۰۰,۰۰۰	۴
<b>هزارتو</b>	۱۷۷	۳۹۹,۱۹۴,۰۰۰	۴,۸۲۳,۳۲۷,۰۰۰	۶
<b>پناهمن</b>	۱۱۲	۳۴۴,۷۱۷,۰۰۰	۷۶۱,۹۵۱,۰۰۰	۴
<b>خانه پدری</b>	۱۵	۲۶۲,۸۴۳,۰۰۰	۱,۵۳۳,۵۶۲,۰۰۰	۶
<b>ماجراجوی نیمروز ۲ رذخون</b>	۶۶	۱۵۹,۵۵۴,۰۰۰	۶,۰۱۵,۱۲۹,۰۰۰	۱۰
<b>صفتونی نهم</b>	۵۹	۱۰۹,۹۹۸,۰۰۰	۶۰۷,۳۷۳,۰۰۰	۴
<b>تورانلو</b>	۱۰۰	۹۴,۳۰۰,۰۰۰	۴۴۳,۷۵۲,۰۰۰	۴
<b>مسخره باز</b>	۲۲	۶۳,۵۴۶,۰۰۰	۳,۲۷۵,۶۱۴,۰۰۰	۸

**فرهنگ و هنر**: در هفته سینمایی گذشته چند فیلم به چرخه اکران وارد شدند اما تقریباً هیچ‌کدام نتوانستند فروش موفقی را تجربه کنند. در نیمه آذرماه با اکران فیلم های متنوع در ژانرهای مختلف پیش بینی می شد که حال و هوای اکران بی رونق سینماها تغییر کند اما هیچ‌کدام از فیلم های وارد شده به چرخه اکران نتوانستند با کمدهای روی پرده رقابت کنند. به نظر می‌رسد فیلم های حوزه کودک و نوجوان بیش از سایر فیلم ها از این رقابت نایربار با کمدهای روی پرده جا مانده اند. به فروش خود در کنار فیلم های کمدهای ادامه دهد و رتبه سوم جدول فروش را بدست بیاورد.

مطرب به کارگردانی مصطفی کبابی با فروش ۴.۵ میلیاردی خود با اختلاف صدرنشین جدول فروش این هفته بود. مطرب به کارگردانی مصطفی کبابی با فروش ۴.۵ میلیاردی خود توانست مجموع فروشش را به بیش از ۱۷ میلیارد برساند و با اختلاف صدرنشین جدول فروش باشد. درحال حاضر این کمدهی بیشترین تعداد سالن را در اختیار دارد.

کمدهی «چشم و گوش بسته» به کارگردانی فرزاد مؤتمن با فروش هفتگی ۱,۲۰۰ میلیارد و «منطقه پرواز ممنوع» که فیلمی مخصوص رده سنی کودک و نوجوان است، با فروش ۷۲۰ میلیون تومان دیگر فیلم‌های پرمخاطب هفته گذشته بودند.

«منطقه پرواز ممنوع» پس از گذشت یک ماه از اکران و در اختیار داشتن ۱۶۴ سالن سینمایی یک میلیارد و ۵۷۰ میلیون تومان فروش داشته و ۲۰۸ هزار مخاطب پای تماشای این فیلم نشستند.

## خبر

### حملة داعش سرپال تلویزیونی شد

**تسنیم**، مینی‌سریال «تاراز» آماده پخش شد، قصه‌ای که از دل داعش می‌گذرد. مینی‌سریال «تاراز» به تهیه‌کنندگی مرتضی رحیمی و کارگردانی محمودرضا اسدی در کارگردانی محمودرضا اسدی در

نوبت پخش از تلویزیون قرار گرفت. مینی‌سریال «تاراز» به تهیه‌کنندگی مرتضی رحیمی و کارگردانی محمودرضا اسدی به سفارش شبکه جهان‌بین استان چهارمحال و بختیاری سال گذشته در لوکیشن‌های مختلفی در اصفهان و شهرکرد جلو دوربین رفت و از چندی قبل آماده پخش شده است. علی‌رسمیوله، حسین توشه، محمودمقامی، میناتوروزی، سیما مطلبی، مهدی سجادیپور، اشرف شاه حسینی، حجت‌الله نجفپور، غلامعلی استرکی، مرتضی اکونداریان، زهرا آقاچسبی، پریسا پاسبان، ستاره کوهسختی، بهمن فراهانی، آرم یوسفنیا، مهرشاد نیکوه‌خواه، حمیدرضا نرتیمان، صباحمالپور، عبدالطی برازش و… در این مینی‌سریال بازی داشته‌اند. در خلاصه داستان سریال امده: جوانی به نام تاراز بختیاری (با بازی مرتضی رحیمی)، استناد دانشگاه و متخصص نیروگاه برق برای اجرای طرحی به نیروگاهی در سوریه اعزام می‌شود. حضور تاراز در نیروگاه با حمله داعش همزمان می‌شود و او برای نجات جان همکارانش، جان خود را به خطر می‌اندازد و مجروح می‌شود. او پس از بازگشت به کشور در یک آسایشگاه جانبازان با عشق قدیمی خود در (نابینلوفر شهیدی) مواجه می‌شود و…

یک نگاه متفاوت به مردم افغانستان

### «کابل در عمق میدان» دیدنی شد

**مهر**: مریم مزروعی عکس سفرهای خود به افغانستان را در نمایشگاهی با عنوان «کابل در عمق میدان» به نمایش می‌گذارد.

این عکاس اجتماعی که تاکنون نمایشگاهی از شهر موصل در زمانی که در تصرف داعش بود، برگزار کرده و در نمایشگاه جدیدش زندگی روزمره افغانستانی‌ها را به تصویر درآورد است. به گفته مزروعی در «کابل در عمق میدان» تلاش شده عکس‌هایی متفاوت با آنچه رسانه‌های رسمی نشان می‌دهند، ارائه شود. این عکس‌ها با تصاویر غالبی که تنها نشان‌دهنده جنگ، فقر و ویرانی در این منطقه جغرافیایی است نیز تفاوت دارد. این عکاس و روزنامه‌نگار هدف از برگزاری نمایشگاه «کابل در عمق میدان» را نزدیک شدن بیشتر مردم ایران و افغانستان به یکدیگر دانست و گفت: افغانستان در واقع بزرگ‌ترین متحد فرهنگی ماست، چرا که هر دو به یک زبان صحبت می‌کنیم و دارای یک خاستگاه فرهنگی و ادبی هستیم و یکی از بهترین راه‌حل‌های رسیدن به صلح در منطقه ارتباط و فهم بیشتر مردمان با یکدیگر است. این نمایشگاه که در آن ۲۳ قطعه عکس خیابانی از کابل به نمایش درآمده از ۱۵ تا ۲۵ آذر در گالری «ا» به نشانی کریم‌خان، ابتدای عضدی (آبان جنوبی)، کوچه ارشد، شماره ۷ برپا خواهد بود.

گفت‌وگو با آذر خزاعی سرچشمه، به بهانه رونمایی کتاب «تا پلاک ۱۴۰»

# ۱۶۰ خاطره دست اول از ۱۴۰ اهل قلم

دوران ورود می‌کند و با رفتار و گفتار آن‌ها آشنا شده و سبک زندگی آن دوران را که همراه با ایثار و مقاومت بود را لمس خواهد کرد.

در این کتاب ما با خاطراتی مواجه هستیم که همه به نوعی دست اول هستند. من در جریان گردآوری اثر به نویسنده‌ها تأکید کردم خاطره‌ای را در اختیارمان بگذارند که تا به حال جایی بازگو نشده است. از این حیث ما با خاطره‌هایی روبه‌رو هستیم که تا به حال جایی بازگو نشده‌اند و می‌توانند به عنوان یک سند از آن دوران مورد توجه قرار بگیرند.

آقای نصرت‌الله محمودزاده زمانی که تصویر دستخط شان را برای من در تلگرام فرستادند گفتند اگر توانستی این دستخط را ترجمه کنی، من برایت اصلاح می‌کنم. تعداد دیگری از اهالی قلم مانند آقای هدایت‌الله بهبودی هم روزنوشت‌های خودشان را که متعلق به آن سال‌ها بود در اختیار من گذاشتند. من تصویر این روزنوشت‌ها را به عنوان سند در انتهای کتاب آورده‌ام. وی با ابراز امیدواری از اینکه نسخه‌های بعدی این اثر هم تولید شود، بیان کرد: دوسال جمع‌آوری و ثبت و ضبط خاطره‌ها و حدود یک سال هم کارهای مراحل تولید کتاب به طول انجامید. طی این زمان دوستانی بودند که راضی بودند خاطره‌هایشان را در اختیار من بگذارند، به همین خاطر امیدوارم که جلدهای دیگر این اثر تهیه و تولید شود. ممکن است در جلدهای بعدی به سراف سابر اهل قلم هم بروم.

### ظرفیت گسترده‌ای در این حوزه وجود دارد

خزاعی با اشاره به ظرفیت‌های خاطرات شفاهی در دوران جنگ افزود: در حال حاضر ایده‌های برای جمع‌آوری خاطرات جانبازان در ذهن دارم. فردی از دوستان پس از دیدن این اثر پیشنهاد داده بود به سراغ ثبت خاطرات شهدای زنده بروم. منظور افرادی هستند که تا پای شهادت رفته و برگشته‌اند. همین ایده‌ها و نظراتی که دوستان می‌دهند نشان می‌دهد ظرفیت گسترده‌ای در این حوزه وجود دارد و آن‌شاءالله من هم بتوانم به سراغ آن‌ها بروم.

این نویسنده با بیان تمایز داستان و خاطره بیان کرد: در داستان تخیل نویسنده حرف اصلی را می‌زند، اما در خاطرات ما با اسناد مواجه هستیم و می‌دانیم که اثر سندیت دارد. این سندیت موجب اهمیت آثاری که در دستته خاطرات قرار دارند می‌شود چون می‌توانند سندی معتبر از گذشته باشند. در خاطره ما حق دخل‌وتصرف نداریم.

خاطره از اهالی قلم دو سال طول کشید. نویسندگان و هنرمندان خاطره داشتند اما فرصت نوشتن نداشتند و همین امر موجب شد که با آن‌ها مصاحبه کنم و پس از پیاده شدن مصاحبه، متن پیاده شده را در اختیارشان قرار دهم و با اصلاح متن و اعمال نظراتشان به متن مورد تأییدشان برسم.

**ثبت «جریان زندگی» اهالی قلم در دوران دفاع مقدس**
وی دربراره چگونگی تدوین خاطرات اظهار کرد: بعضی از متن‌ها به دلنوشته و بعضی دیگر به یادداشت روزانه و حتی بعضی به خاطره داستان نزدیک شد ولی همگی به نوعی سعی کرده بودند گوشه‌ای از جریان زندگی در آن سال‌ها را با حس و حالی که داشتند، نشان دهند. آذر خزاعی سرچشمه دربراره چگونگی تدوین تازه‌ترین اثرش گفت: برای من نشان دادن وضعیت زندگی در زمان جنگ و دهه ۶۰ بودم. همسر در زندگی مردم ما را عوض کرد و مفاهیم تازه‌ای مثل ایثار و شهادت، مقاومت و پایداری را وارد فرهنگ معاصرمان کرد. برابم نشان دادن این مفاهیم مهم بود و به همین دلیل هیچ‌گونه دست‌بندی دیگری نکردم و تنها ترتیب خاطرات را براساس حروف الفبایی نام‌خواندگی نویسندگان خاطره آوردم.

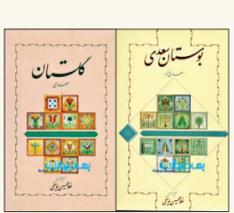


**برش**
وی افزود: من در کنار اینکه اندکی قلم می‌زنم، گاه درگیر برگزاری نشست‌ها و جلسات فرهنگی هم هستم. در جریان همین فعالیت‌ها در مراسم بزرگداشتی که برای آقای آذری یزدی برگزار کرده بودیم با مصطفی رحمان‌دوست درباره اثر دیگری با عنوان «دستان کوچک و نقش‌های بزرگ» صحبت می‌کردیم که این کتاب شامل ۱۰۰ نقاشی از بچه‌های جنگ است و این ایده را هم برایش توضیح دادم و ایشان خاطره‌ای گفتند و من هم خاطراتی را بازگو کردم. در این روتوب‌رگشت‌ها به ایشان گفتم که در این خاطرات زندگی جریان دارد و من خیلی دوست دارم این خاطرات که این قدر سرشار از زندگی است را جمع‌آوری کنم. سپس به دنبال خاطرات سایر اهالی قلم رفتم. می‌شود گفت به دلیل نزدیکی به ندیای کتاب و اهالی قلم نخست به سراغ نویسندگان رفتم. این نویسنده ادبیات دفاع مقدس گفت: گرفتن

وی افزود: من در کنار اینکه اندکی قلم می‌زنم، گاه درگیر برگزاری نشست‌ها و جلسات فرهنگی هم هستم. در جریان همین فعالیت‌ها در مراسم بزرگداشتی که برای آقای آذری یزدی برگزار کرده بودیم با مصطفی رحمان‌دوست درباره اثر دیگری با عنوان «دستان کوچک و نقش‌های بزرگ» صحبت می‌کردیم که این کتاب شامل ۱۰۰ نقاشی از بچه‌های جنگ است و این ایده را هم برایش توضیح دادم و ایشان خاطره‌ای گفتند و من هم خاطراتی را بازگو کردم. در این روتوب‌رگشت‌ها به ایشان گفتم که در این خاطرات زندگی جریان دارد و من خیلی دوست دارم این خاطرات که این قدر سرشار از زندگی است را جمع‌آوری کنم. سپس به دنبال خاطرات سایر اهالی قلم رفتم. می‌شود گفت به دلیل نزدیکی به ندیای کتاب و اهالی قلم نخست به سراغ نویسندگان رفتم. این نویسنده ادبیات دفاع مقدس گفت: گرفتن

### پیشنهاد امروز

## تصحیح و شرح بوستان و گلستان باچاشنی معلمی



**فرهنگ و هنر**: پیشنهاد امروز ما برای مطالعه کتاب در آخرین روزهای فصل پاییز و شب‌های بلند زمستان پیش‌رو رجوع دوباره به کتاب‌های کهن است. در میان همه کتاب‌های کهن ادبیات فارسی، دو کتاب «گلستان» و «بوستان» سعدی همواره مورد توجه مردم و کتاب‌باینی بسیاری از آنان بوده است. برای گلستان و بوستان شرح‌های متعددی نوشته شده، اما به اعتقاد کارشناسان و به ادعان اکثریت اهل ادب و پژوهش، جامع‌ترین شرح‌ها بر «بوستان» و «گلستان» سعدی، شرح و توضیحی است که مرحوم استاد دکتر غلامحسین یوسفی نوشته‌است.

۱۴ آذر سالروز درگذشت این استاد و پژوهشگر ادب خراسان است. فردی که همه زندگیش در آموزش و تحقیق و پژوهش خلاصه شده‌بود. غلامحسین یوسفی در بهمن ۱۳۰۶ در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر به پایان برد و

از سال ۱۳۲۵ برای تحصیل در دوره لیسانس زبان و ادبیات فارسی به تهران رفت. در سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۰ در دوره دکترا دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد و از سال ۱۳۲۹ مشغول تدریس در دبیرستان‌های مشهد شد و همزمان دوره لیسانس حقوق قضایی و سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را هم گذراند. با تأسیس دانشکده ادبیات در دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۳۴ تدریس دروس تاریخ ادبیات را در این دانشکده آغاز کرد. دکتر غلامحسین یوسفی تا مهرماه ۱۳۵۸ در دانشگاه فردوسی مشهد در دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس و دکترا ادبیات تدریس کرد. وی همزمان به تحقیق و پژوهش در حوزه‌های گوناگون ادامه داد و به این منظور سفرهای مطالعاتی به کشورهای مختلف از جمله فرانسه، انگلستان و آمریکا داشت. تصحیح متن یکی از زمینه‌های مورد علاقه دکتر یوسفی بود که در این مسیر کارهای ماندگاری از او در دست است.

### ادبیات

روز گذشته در مؤسسه فرهنگی قدس کتاب «تا ابد با تو می‌مانم» خوانش و رونمایی شد

## حماسه عاشقانه «مریم مقدس»



**خدیجه زمانیان**: مراسم رونمایی و خوانش کتاب «تا ابد با تو می‌مانم» به قلم مریم عرفانیان روز گذشته در مؤسسه فرهنگی قدس انجام شد. «تا ابد با تو می‌مانم» روایتی عاشقانه و ماندگار از همراهی مریم مقدس، همسر سردار جانباز اکبر نجاتی، جانباز هشت سال دفاع مقدس است. مریم عرفانیان در این اثر حکایت ماندگار لیلی و مجنون را روایت می‌کند که در فراز و فرودهای سال‌های جنگ در کنار هم خاطرات ماندگاری را رقم زدند. این کتاب که به تازگی از سوی انتشارات به‌نشر راهی بازار کتاب شده مورد اقبال مخاطب قرار گرفته است.

جلسه خوانش، نقد و رونمایی «تا ابد با تو می‌مانم» با گفته‌های دکتر سیداحمد میرزاده آغاز شد.

این کارشناس ادبی و عضو انجمن قلم با بیان اینکه ما مورد تهاجم قرار گرفتیم و در حالت دفاع ادبیات گل و بلبل به کار ما نمی‌آید، ادبیات حماسی را موجب ترویج فرهنگ استقامت عنوان کرد. وی افزود: اگرچه جنگ تمام شده اما کینه دشمنان تمام نشده و آن‌ها هنوز از این روحیه حماسی مردم ما می‌ترسند. کوتاهی در ادبیات دفاع‌مقدس موجب می‌شود دشمن دست به تحریف تاریخ بزند و تاریخ را به شکل وارونه ثبت کند و تا چشم باز نکنیم، ببینیم جای منجاوز و مدافع و ظالم و مظلوم عوض شده است.

**دفاع مقدس ایران هم آستان تولید‌شاهکار ادبی**
میرزاده با بیان اینکه ادبیات جنگ پرخواننده‌ترین ادبیات است، گفت: کتاب‌هایی که پس از جنگ‌های جهانی نوشته شدند با اقبال جهانی روبه‌رو شدند و من امیدوارم ادبیات دفاع مقدس ایران هم آستان تولید شاهکار ادبی باشد.

وی با بیان اینکه نوجوان امروز که به دلایل مبهم کسسل و افسرده است با خواندن این آثار متحول می‌شود، گفت: آثاری که به تاریخ شفاهی سرداران می‌پردازد برکت دیگری هم تاغدغه رهبری هم در خصوص الگوسازی ایرانی – اسلامی

و گلستان آمده است؛ دوم، توضیحات بسیار کاربردی متن و سوم، شرح نسخه بدل‌ها که در این بخش بیشتر پژوهشگران اهل تحقیق به کار می‌آیند. به گفته کارشناسان مهم‌ترین ویژگی گلستان و بوستانی که مرحوم دکتر یوسفی تصحیح کرده، بخش توضیحات آن‌هاست. هم در بوستان و هم در گلستان پس از متن اصلی، توضیحات آذری می‌شود که براساس شماره صفحه متن اصلی (در گلستان) و شماره آیات (در بوستان)، در هر سطر واژه‌ها و عبارت‌های دشوار به شکلی جامع توضیح داده شده و بیت‌های عربی، آیه‌ها و حدیث‌های به‌کار رفته در متن نیز به فارسی روان برگردانده شده است. با وجود چنین توضیحاتی دیگر نیاز نیست خواننده برای درک معنای متن، فرهنگ لغتی را کنار دست خود داشته باشد و بی‌دری به آن رجوع کند.

ابومسلم سردار خراسان، دیداری با اهل قلم، کاغذ زر، تحقیق درباره سعدی و شیوه‌های نقد ادبی از جمله آثار تصنیفی و ترجمه‌ای دکتر یوسفی است. وی در ترجمه نیز فیل بود و کتاب‌های «لسان‌دوستی در اسلام» (مارسل بوزار)، «شیوه‌های نقد ادبی» (دیوید دیجز) و «داستان من و شعر» از جمله ترجمه‌های اوست. **جام‌ترین شرح و توضیح**
برای گلستان و بوستان شرح‌های متعددی نوشته شده، اما به اعتقاد کارشناسان و به ادعان اکثریت اهل ادب و پژوهش، جامع‌ترین شرح‌ها بر «بوستان» و «گلستان» سعدی، شرح و توضیحی است که مرحوم استاد دکتر غلامحسین یوسفی نوشته‌است. گلستان و بوستان تصحیح دکتر یوسفی هر یک سه بخش دارد: نخست، مقدمه‌ای عالمانه درباره متن اثر و جهان سعدی که پس از آن، متن تصحیح‌شده بوستان

ابومسلم سردار خراسان، دیداری با اهل قلم، کاغذ زر، تحقیق درباره سعدی و شیوه‌های نقد ادبی از جمله آثار تصنیفی و ترجمه‌ای دکتر یوسفی است. وی در ترجمه نیز فیل بود و کتاب‌های «لسان‌دوستی در اسلام» (مارسل بوزار)، «شیوه‌های نقد ادبی» (دیوید دیجز) و «داستان من و شعر» از جمله ترجمه‌های اوست.

**جام‌ترین شرح و توضیح**
برای گلستان و بوستان شرح‌های متعددی نوشته شده، اما به اعتقاد کارشناسان و به ادعان اکثریت اهل ادب و پژوهش، جامع‌ترین شرح‌ها بر «بوستان» و «گلستان» سعدی، شرح و توضیحی است که مرحوم استاد دکتر غلامحسین یوسفی نوشته‌است. گلستان و بوستان تصحیح دکتر یوسفی هر یک سه بخش دارد: نخست، مقدمه‌ای عالمانه درباره متن اثر و لغتی را کنار دست خود داشته باشد و بی‌دری به آن رجوع کند.

داده شد تا به جبهه بروم. هر چند این اذن و اجازه با بغض و اشک بود و بعد همراهی همسرم بود.

### نانوشته‌های جنگ را نوشتم

نویسنده «تا ابد با تو می‌مانم» تجربه‌های همکاری با بنیاد شهید را در مقطعی از زندگی حرفه‌ای‌اش، علت نوشتن این اثر عنوان کرد. مریم عرفانیان گفت: سال ۸۵ تا ۸۹ نیروی قراردادی بنیاد شهید بودم و بنای کار بر این بود تا من مصاحبه‌های یک‌ساعت‌آبی با خانواده جانبازان داشته باشم تا پس از شهادت سندی از آن‌ها موجود باشد. طبق روال مصاحبه یک‌ساعت‌آبی هم با خانم مقدس و همسرش داشتم. آن سال‌ها گنج زندگی من بود چون زمینه آشنایی من را با خانواده‌هایی که پر از حرف بودند، فراهم کرد.

۸۹ ساله که خاطره خانم خورشاهی را نوشتم به سردار جانباز اکبر نجاتی که آن زمان مدیرکل بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس استان خراسان رضوی بودند، گفتم: می‌خواهم آتش به اختیار زندگی شما را بنویسم.

این نویسنده ادامه داد: سردار جانباز نجاتی با روی گشاده از این گفته من استقبال کرد و از بیان زندگی خصوصی‌اش ابایی نداشت. به این صورت چیزهایی که نباید نوشته می‌شد، در این کتاب نوشته شد، ناگفته‌های بسیاری از جنگ و آدم‌های جنگ نگفته شد، چون باید در جایی ثبت می‌شد که همسران و مادران شهدا هم درگیر مسائل عاطفی بوده‌اند و نوشتم قصه‌ای که خدا نوشته بود.

عرفانیان با بیان اینکه آنچه در کتاب «تا ابد با تو می‌مانم» آمده، تمام قد گفته‌های خانم نجاتی است، تصریح کرد: من واسطه بودم تا این خاطرات را بنویسم. سه سال گفت و گو و مصاحبه با این بانو طول کشید اما در نهایت با باری شهدا و همراهی مهربانه سردار جانباز نجاتی و همسرشان این کتاب، شد. کتاب «تا ابد با تو می‌مانم» با حضور مادر سردار شهید حسن قاسمی دانا، همسر سردار شهید مهدی میرزایی، همسر سرلشکر نورعلی شوشتری، همسر شهید تیموری، همسر شهید سورچی و مادر سردار جانباز اکبر نجاتی رونمایی شد.



وی در پایان با یادی از نویسندگان کتاب گفت: در این کتاب ما یک شهید هم داریم آقای سعیدعلی کاظم داوود با وجود اینکه راهشان دور بود اصرار داشتند به تهران بیایند و خاطریشان را حضور بنده بدهند تا اینکه یک روز با بنده تماس گرفتند و گفتند تهرامم و در حوزه هنری خاطره را از ایشان گرفتم و گفتم زمان رونمایی اثر حتماً از شما دعوت می‌کنم. در اواخر مهر ماه سال ۱۳۹۷ برای گوشیم پیامی آمد زمانی که پیام را باز کردم از همان شماره‌ای بود که با ایشان تماس گرفته بودم و با دیدن اعلامیه شهادت ایشان غافلگیر شدم. در آخر من از زحمات بی‌دریغ مسئولان اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان تهران برای انتشار این کتاب قدرانی می‌کنم.